

کتابداری نوین و چالش‌های آن

مهدی محمدی^۱

اگر کتابداران ماهیت کار خود را درک و آن طوری که باید عمل کنند و در حرفه خود برای جامعه مفید باشند از عوامل پیشرفت معرفت جهانی محسوب خواهند شد. ددري (۱۴: ۱۲۸)

چکیده

این مقاله به سیر تاریخی کتابداری در ایران می‌پردازد و منزلت اجتماعی آن را در گذشته و حال بررسی می‌کند و موفقیت‌های کتابداری نوین را با وجود قدمت کم آن و همچنین نارسایی‌های موجود در این حوزه را از جمله مدیریت کتابخانه‌های دانشگاهی توسط مدیران غیرمتخصص، استفاده از نیروهای غیرکتابدار و آموزش ندیده در کتابخانه‌های عمومی، و بحران‌های روحی و اخلاقی حاکم بر کتابداران برمی‌شمارد. بازنگری کلی و اساسی سرفصل‌های دروس کتابداری در مقاطع مختلف با تأکید بر دروس عملی، اضافه کردن واحدهای مناسب با نیازهای عصر اطلاع‌رسانی؛ جذب دانشجویان علاقه‌مند و به کارگیری فرایند آزمون‌های علمی و مصاحبه، به کارگیری مدرّسان متعهد و متخصص در دانشگاه‌ها برای ارائه آموزش‌های کتابداری، مدون و مصوب کردن این سیاست‌ها از سوی مراجع قانونی و ابلاغ آن به واحدهای آموزشی برای فراهم‌سازی شرایط یکسان در دانشگاه‌های کشور و در کنار آن تدوین استانداردهای ملی آموزش‌گاه‌های کتابداری و ابلاغ آن به دانشگاه‌های مجری دوره‌های آموزشی کتابداری و نظارت جدی بر نحوه اجرای آن از سوی دانشگاه‌ها برای بهبود وضعیت آموزشی رشته کتابداری در ایران پیشنهاد شده است.

کلیدواژه‌ها

آموزش کتابداری، ایران

مقدمه

موفقیت‌های آن می‌توان به تدریس رشته کتابداری در بیش از ۲۰ مؤسسه آموزش عالی (اعم از دولتی و غیردولتی) در مقطع کارشناسی؛ دایر شدن مقطع کارشناسی ارشد و دکترا

از عمر کتابداری نوین در ایران نیم قرن می‌گذرد. به زعم بعضی استادان، در این مدت کتابداری در ایران پیشرفت کرده و موفقیت‌هایی نیز به دست آورده است؛ از

در دانشگاه‌های ایران؛ تأسیس انجمن کتابداری و اطلاع‌رسانی ایران؛ انتشار چند مجله تخصصی، تربیت نویسندگان متخصص برای تألیف دایرة المعارف این رشته (کاری که برخی رشته‌ها با وجود سابقه بیشتر هنوز اقدامی برای آن نکرده‌اند) را نام برد. اما با وجود همه این پیشرفت‌ها، هنوز نارسایی‌هایی در این حوزه به چشم می‌خورد که می‌توان به بی‌انگیزه بودن دانشجویان (۶: ۲)، ناهماهنگی میان آموخته‌ها با نیازهای بازار کار، کمبود شغل با وجود نیاز فروان، نامتناسب بودن محتوای دروس با خواست‌های فراگیران (۱۹: ۹۹)، و نوپا و ضعیف بودن

حقیقت این است که جایگاه و موقعیت کتابداران کنونی به درستی روشن نیست و دقیقاً نمی‌توانیم تعریف کنیم که کتابدار کیست و چه ویژگی‌هایی باید داشته باشد. بیشتر افراد کتابدار را با انباردار برابر می‌دانند. کتابداری شغل معینی که اشتغال بدان ویژگی‌های خاصی را می‌طلبد، به حساب نمی‌آید.

انجمن کتابداری اشاره کرد (۱۱: ۲۲). اخیراً حرکت‌هایی برای بازبینی محتوای دروس و انطباق آنها با نیازهای فراگیران آغاز شده است. در این مقاله تصویری از وضعیت موجود ارائه می‌شود تا راهنمایی برای سیاستگذاری و تصمیم‌گیری مدیران در کتابداری ایران باشد.

در گذشته اشخاصی این مسئولیت را می‌پذیرفتند از دانشمندان و عالمان دوران بودند و در میان مردم منزلت خاصی داشتند. آنها با دانش خود به یاری مسئولان و حاکمان می‌آمدند و تنها مرجع پاسخگویی به نیازهای علمی مردم زمان خود به شمار می‌رفتند (۲: ۴۷۸). در دورانی که اداره کتابخانه‌ها به دانشمندان و افراد فرهیخته سپرده می‌شد، کتابخانه‌ها کارکردی ساده داشتند و نیازی به مجموعه‌سازی براساس نیاز استفاده‌کنندگان و سازماندهی مجموعه براساس اصول رده‌بندی وجود نداشت. آموزش کتابداران نیز ساده بود و در مدت کمی مطالب فراگرفته می‌شد و نیازی به شرکت کارکنان کتابخانه‌ها در کلاس‌های آموزشی نبود (۸: ۲۶). اما آیا واقعاً امروز نیز کتابداران از این منزلت، ارج، قرب و ویژگی‌ها برخوردار هستند؟ و اگر واقعاً وضع بدان منوال نیست علت این امر چیست؟ و

برای به دست آوردن شأن و جایگاه مناسب چه تدابیری باید اندیشیده شود؟

حقیقت این است که جایگاه و موقعیت کتابداران کنونی به درستی روشن نیست و دقیقاً نمی‌توانیم تعریف کنیم که کتابدار کیست و چه ویژگی‌هایی باید داشته باشد. بیشتر افراد کتابدار را با انباردار برابر می‌دانند. کتابداری شغل معینی که اشتغال بدان ویژگی‌های خاصی را می‌طلبد، به حساب نمی‌آید. در ادارات، کارمند جزء اداره یا مؤسسه را مسئول کتابخانه معرفی می‌کنند بی‌آنکه آن شخص تخصصی در این زمینه داشته باشد. در دانشگاه‌ها نیز به علت ستاره‌دار بودن پست مسئول کتابخانه، یکی از اعضای هیئت علمی عهده‌دار این مسئولیت است در حالی که نه تخصص لازم را دارد و نه فرصت کافی را برای پرداختن به مشکلات کتابخانه. ریاحی به نقل از هویدا بیان می‌کند که «۸ نفر از رؤسای کتابخانه‌های دانشگاهی باید قاعدتاً پست اجرایی (ریاست کتابخانه) داشته باشند. در حالی که سمت‌های رسمی، غیررسمی، آموزشی و غیرآموزشی آنها مجموعاً ۲۵ سمت بود و فقط ۲ نفر از آنها دارای تخصص کتابداری بودند. به غیر از معدود رؤسای کتابخانه‌ها که تخصص حرفه کتابداری و اطلاع‌رسانی را دارند، بقیه سرپرستان در انجام برنامه‌های تخصصی کتابخانه‌های خود مشارکت ندارند. به ویژه اینکه هنگام برنامه‌ریزی برای حل مسائل و مشکلات بخش‌های خدمات فنی، مرجع، سمعی و بصری، شرکت رؤسای غیرمتخصص به چشم نمی‌آید و فقط در مورد سفارش مواد و منابع است که گاهی تصمیمات قاطع سرپرستان کتابخانه‌ها اعمال می‌شود» (۱۲: ۱۱۰).

تحقیقی که ریاحی‌نیا درباره رشته تحصیلی مدیران کتابخانه‌ها انجام داده، نشان می‌دهد که فقط ۳۶ درصد از آنان تخصص کتابداری دارند و این درصد در مقایسه با کل آمار و اینکه اداره کتابخانه‌ها وظیفه کتابداران است، چشمگیر نیست. این کتابخانه‌ها که بخشی از نظام آموزش عالی، و مرکزی برای گردآوری اطلاعات علمی و فنی هستند و کانونی برای تحقیق دانشجویان و پژوهشگران به شمار می‌روند، باید زیر نظر مدیران متخصص کتابداری و اطلاع‌رسانی به مثابه برنامه‌ریزان اصلی اداره شوند (۱۲: ۱۱۰).

به‌کارگیری مدیران غیرمتخصص و ناآشنا جز دلسردی

وبی‌انگیزی در کارکنان کتابخانه عاید دیگری ندارد. همان‌طور که تحقیقات نشان می‌دهد میزان علاقه و انگیزه کارکنان کتابخانه‌ای با مدیر متخصص کتابداری ۹۱/۵ درصد بوده است، در حالی که این میزان در میان کارمندان تحت اداره مدیر غیر کتابدار ۶۱/۲۴ درصد است (۱۴: ۱۱۱). در توجیه این بی‌علاقگی شاید سخن ارنست رس^۲ منطقی به نظر برسد که می‌گوید: «طبعاً بر شاگردان مدارس کتابداری گران می‌آید تا ریاست و نظارت شخص غیر کتابدار را بپذیرند. این وظیفه اصلی دانشکده‌های کتابداری است که علاوه بر ارائه دانش مربوط به سازماندهی مضبوط با اصول بنیادی، به مدیریت و کنترل نظام یک کتابخانه نیز به صورت یک واحد متشکل توجه کنند» (۱۴: ۱۱۱).

وقتی در کتابخانه‌های دانشگاهی که بیشتر کتابداران مایل به انجام وظیفه در این گونه کتابخانه‌ها هستند، وضعیت مدیریت چنین باشد، وضعیت کتابخانه‌های عمومی ناگفته پیداست. از ۲۲۴۵ نفر نیروی شاغل در کتابخانه‌های عمومی ۲۸ استان کشور، ۱۱۵ نفر یعنی ۵ درصد تخصص کتابداری دارند و ۹۵ درصد باقیمانده غیر کتابدار هستند. از نظر تحصیلات از ۲۲۴۵ نفر ۵۵۹ نفر (نزدیک به ۲۵ درصد) زیر دیپلم، ۱۰۷۱ نفر (۴۸ درصد) دارای مدرک دیپلم، و ۱۸۱ نفر کاردان، و ۴۰۴ نفر کارشناس بودند که فقط ۱۱ درصد از کارشناسان تحصیلات کتابداری داشتند (۱۸: ۹۷). کامران فانی معتقد است که «کتابدار متخصص و عالم کم داریم و گویی نیازی هم بدان احساس نمی‌کنیم و یا این نیاز را دست کم می‌گیریم. به هر حال در بهبود این وضع به‌کندی قدم بر می‌داریم» (۱۶: ۱۹۵).

این موقعیت نامطلوب فقط محدود به ایران نیست بلکه در کشورهای پیشرفته نیز کم و بیش این وضعیت به چشم می‌خورد. در برخی تحقیقات، اظهار نظرهایی درباره پایین بودن موقعیت اجتماعی این رشته به چشم می‌خورد. عواملی چون زنانه بودن حرفه، ناپیدا بودن حجم کارهای کتابخانه، کیفیت پایین خدمات، پایین بودن حقوق و دستمزد کتابداران، نقش حاشیه‌ای کتابخانه‌ها در توسعه اقتصادی کشور، ناآگاهی مراجعان از نقش کتابداران و دیگر کارمندان کتابخانه، ناآگاهی عموم مردم از میزان بودجه و تعداد کارکنان مورد نیاز برای اداره کتابخانه، کمبود بودجه، ناآگاهی عمومی مردم از اهمیت اجتماعی کتابداران، تصور مردم نسبت به غیر ضروری بودن خدمات کتابداری، تصور

مردم از خشک و عبوس بودن کتابداران، و تمایل عمومی مردم به کم‌خوانی رامی‌توان نام برد (۵: ۱۴). عده‌ای تصور می‌کنند کتابداری در مقایسه با دیگر شغل‌ها خالی از فایده و از نظر موقعیت اجتماعی نیز دارای سطح نازلی است. به نظر می‌رسد منشاء این گونه باورها، به‌کارگیری نیروهای ارزان قیمت در کتابخانه‌هاست؛ چرا که این نیروها کارهای نازلی را انجام می‌دهند که نیازی به تجربه و تخصص ندارد، حال آنکه افراد فاقد تجربه و تبحر در مشاغل مهم که به تخصص و شرایط خاص نیاز است، به‌کار گمارده نمی‌شوند.

آیا به‌راستی خود کتابداران در به‌وجود آمدن این شرایط مقصر نیستند؟ به نظر می‌رسد بی‌علاقگی و دلسردی آنها به ارائه خدمات مربوط به رشته خود است که داد دل کارل آلبریش^۳ را در آورده است و او ندا می‌زند:

«بی‌علاقگی، خشونت، دلسردی، انعطاف‌ناپذیری، تابعیت بیش از حد به مقررات، و اتلاف وقت از جمله گناهان هفتگانه در عرصه فعالیت‌های خدماتی است. کتابداران نیز از ارتکاب این جرایم میرا نیستند. گاهی اوقات خود کتابداران نمونه بارزی از دلسردی و بی‌علاقگی هستند و رفتارشان طوری است که گویی به مراجعان گوشزد می‌کنند که "مزاحم اوقات من نشوید" به نظر می‌رسد که به احتیاجات و خواسته‌های شخصی که آن سوی میز ایستاده است بی‌علاقه و بی‌توجه هستند و مایل نیستند که وقت خود را صرف جستجوی اطلاعات مورد نیاز مراجعه‌کننده نمایند. آنها در واقع در خدمت مجموعه هستند نه مراجعه‌کنندگان. برخی کتابداران بدون توجه به شخصیت و ارزش فردی هر یک از مراجعان با آنان همچون کودکان رفتار می‌کنند و از اینکه واژه‌ها و اصطلاح‌های خاص کتابداری را نمی‌دانند عصبانی می‌شوند و یا در پاسخ برخی خواسته‌های مراجعان، به قوانین خشک و بی‌روح کتابخانه متوسل می‌شوند. شکی نیست که مقررات، برجسته‌ترین راهنمای کتابداران برای انجام وظایف محوله است. ما مقررات را دوست داریم و به نظر می‌رسد که پیروی اکید از آن موجب پیشرفت کارهاست. اما گاه به جای آنکه از قانون به مثابه وسیله‌ای برای آسان‌تر شدن کارها استفاده شود، بهانه‌ای برای شانه خالی کردن از انجام وظایف می‌شود. قوانین در سازماندهی اطلاعات انعطاف‌پذیرند و باید هر مراجعه‌کننده به عنوان فردی با ضریب هوشی

خاص و نیازهای اطلاعاتی مشخص مورد بررسی قرار گیرد و به عنوان انسانی محسوب شود که وقت و نیروی خود را صرف بهره‌گیری از دانش و آموخته‌های مکتب‌داران می‌کند» (۹: ۱۴).

دراک به نقل از وارثان گریگوریان می‌گوید: «کتابخانه‌ها بار سنگین میراث فرهنگی و علمی ملت را به دوش می‌کشند. کتابخانه‌ها مجموعه‌ای از میراث فرهنگی انسان‌ها، خاطرات، پیروزی‌ها و شکست‌ها و یادگارهایی از موفقیت‌های علمی و هنری بشر را عرضه می‌کنند. کتابخانه‌ها فقط محلی برای انباشت کتاب‌ها نیستند بلکه راهنمای تاریخ تمدن بشری هستند. ابزارهای لازم برای آموزش و بالا بردن سطح آگاهی را می‌توان در کتابخانه‌ها جستجو کرد. کتابخانه‌ها منابع عظیمی از دانش، خرد و فعالیت‌های انجام شده بشر را از ادوار گذشته تا حال حاضر در خود حفظ و نگهداری می‌کنند. کتابخانه‌ها پنجره‌هایی هستند که به روی آینده باز می‌شوند. آنها منبع امید، خودسازی، اکتفای به خود، و ایجاد استقلال فکری هستند. خلاصه اینکه کتابخانه موجب بالا رفتن قدرت تفکر انسان‌ها می‌شود» (۹: ۲۱).

ما کتابداران موظفیم این پیشینه‌ها، موفقیت‌ها، و شکست‌ها را حفظ کنیم و باید از این موقعیت استثنایی برای تغییر دیدگاه‌ها در زندگی اجتماعی انسان‌ها استفاده کنیم و دریچه‌ی دنیایی را که مملو از پیشرفت‌های عظیم فناوری و علوم است به روی مراجع کنندگان بگشاییم. فناوری موجب افزایش امکانات خدماتی کتابداران شده است، اما ما باید تفاوت میان یادگیری و یاد دادن، هدف و وسیله را دریابیم. وظیفه‌ی عمده‌ی کتابداران در کتابخانه‌ها بالا بردن میزان کنجکاوی و آگاهی، و ایجاد اندیشه‌ی خلاق و سازنده در استفاده‌کنندگان برای همه‌ی مراحل زندگی است. به نظر می‌رسد که این وضعیت نامطلوب، رفتار و مناسبات اجتماعی کتابداران را نیز تحت تأثیر قرار داده است به گونه‌ای که آنها را حتی از رعایت مهم‌ترین ارزش اخلاقی یعنی احترام گذاشتن به بزرگان و پیش‌کسوتان این رشته غافل کرده است. عباس حری استاد پرسابقه و صاحب نام این رشته معتقد است: «متأسفانه آنچه در فرایند تعلیم و تربیت ما روی می‌دهد خصوصاً در مقاطع بالاتر بی‌ریشه است... در مواردی که روابط دوستانه‌ای بر جای مانده و نه حرمتی برای تعلیم و تعلم، البته آنچه

عرض می‌کنم قاعده نیست اما تعداد استثنا هم اندک نیست. دانشجو فارغ‌التحصیل که می‌شود به جای پاس و حرمت داشتن علم، خصومت برمی‌افزاید گویی که بابت فراگیری حتی لفظ و مفهومی نیز وامدار کسی نیست. گویی با معرفتی بس والا وارد نظام دانشگاهی شده است و بدون هیچ تحولی کوله‌بار پیشین خود را بر دوش می‌کشد و بدین نمط خارج می‌شود و بهتر است بگویم خروج می‌کند. در حالی که روابط متقابل بین عناصر خصوصاً رابطه‌ی معلم و متعلم در بین جوامع گذشته رابطه‌ای دوستانه بود نه حاکمیت و تابعیت، و این چنین رابطه‌ای کسب معرفت را فرایندی پرکشش می‌سازد. نه از سر جبر و اضطراب. انتقال دانش به این شکل سبب می‌شده که متعلمی علمدار بعدی نقطه نظرهای معلم بوده و در عین نقد و ارزیابی آنها فضل و تقدم را رعایت می‌کرد. متعلم نیز خود را وامدار معلم می‌دانسته و بابت هر لفظ و مفهومی که می‌آموخت دینی را بر خود مسلم می‌شمرده» (۷: ۹).

این وضعیت نامطلوب بر دانشجویان جوان به گونه‌ای اثر گذاشته است که برخی از آنها در صدد انجام اصلاحات اساسی هستند در این زمینه قدری احساساتی عمل می‌کنند و خواستار زیر و رو کردن همه چیز هستند. آنها حتی تحمل اسم رشته را ندارند و قصد دارند اولین تغییر را از اسم این رشته شروع کنند. آنها اسامی چون مهندسی اطلاعات، اطلاع‌رسانی و نظایر آن را پیشنهاد می‌کنند. اما سؤال اساسی این است که آیا واقعاً مشکل کتابداری اسم آن است؟ آیا اگر اسم رشته به مهندسی اطلاعات تغییر یابد همه مشکلات حل خواهد شد؟ اگر اسم رشته به اطلاع‌رسانی تغییر یابد و دانش آموخته ما نتواند تعریف درستی از اطلاع‌رسانی ارائه کند و ویژگی‌های ارائه خدمات در عرصه اطلاع‌رسانی را نداشته باشد این بی‌اعتمادی و تزلزل موقعیت اجتماعی، دو چندان نخواهد شد؟ آیا فکر می‌کنیم با سه واحد درسی "آشنایی با کامپیوتر و کاربرد آن" و دو واحد "ماشین‌نویسی فارسی" و دو واحد "ماشین‌نویسی لاتین" و دو واحد "آشنایی با پایگاه‌های اطلاعاتی" واقعاً ویژگی‌های کار در محیط اطلاع‌رسانی را پیدا کردیم؟ هر چند برخی دانشگاه‌ها از جمله دانشگاه فردوسی مشهد و تهران تغییراتی در سرفصل‌های خود به عمل آوردند و واحدهای درسی بیشتری را به رایانه و اطلاع‌رسانی اختصاص دادند اما آیا این تغییرات در همه

دانشگاه‌ها یکسان هست؟ آیا این تغییرات یک مصوبه رسمی است؟ به عقیده من تا زمانی که این تغییرات در سطح ملی با برنامه‌های مدون و رسمی انجام نشود صحبت از تغییر اسم هیچ مشکلی از کتابداری ایران را حل نخواهد کرد.

در شرایطی که هنوز در بسیاری از مؤسسات آموزشی کتابداری، آزمایشگاه‌های مجهز به منابع کتابداری فراهم نیست تا دست کم دانشجویان شکل چاپی بسیاری از منابع را ببینند چه طور می‌توان از وب و ویژگی‌های آن صحبت کرد؟ اقدام اولیه و زیربنایی برای حل این مشکل تدوین استانداردهای ملی آموزشگاه‌های کتابداری و تصویب و ابلاغ آن از سوی مراکز قانونگذار به همه دانشگاه‌های مجری آموزش کتابداری برای برخورداری از آن شرایط و استخدام مدرسان با استانداردهای ارائه شده برای آموزش دوره‌های کتابداری است. هر چند اخیراً شاهد تحقیقات میدانی با استفاده از نظرات دانشجویان درباره محتوای دروس کتابداری^۴ هستیم که در جایگاه خود اقدام نیک و قابل تحسینی است، اما کافی نیست و جا دارد تحقیقات مفصلی در این باره صورت گیرد. مهم این است که بدانیم تعویض اسم، حلال مشکلات نیست. اگر کتابداران درباره موقعیت شغلی خود گله دارند باید در ابتدا با بازنگری در نقش و موقعیت خود در جامعه، بیشترین اهمیت خود را در افزایش خدمات کتابخانه‌ها به کار گیرند. پیشرفت موقعیت کتابداری به حد کافی مشکل به نظر می‌رسد و وقتی مشکل تر خواهد بود که مراجعه‌کننده از کیفیت خدمات ناراضی باشد. کتابداران باید بیشتر به طرف مراجعه‌کننده بروند و سطح خدمات خود را افزایش دهند. به طور کلی به نظر می‌رسد راه حل منطقی در این مورد بازاریابی باشد، یعنی افزایش خدمات رشته و همکاری و ایجاد رابطه صمیمانه با مردم (۵: ۱۴).

برخی از متخصصان معتقدند عواملی که شأن و پایگاه اجتماعی کتابداران را تشکیل می‌دهد عبارتند از:

۱. تقاضای جامعه و نیاز آن به قابلیت‌های حرفه؛
۲. آگاهی جامعه از وظایف و مسئولیت کتابداران؛

۳. شرایط آموزش، قدرت تفکر، تعقل و صفات لازم برای کتابداران؛

۴. حقوق و مزایای حرفه‌ای آنان (۴: ۱۴۵).

اما درباره اینکه خصوصیات و صفات مورد نیاز یک کتابدار چیست، نظرات متفاوتی ارائه شده است. بیشتر افراد معتقدند که موفقیت یک کتابدار به مهارت‌های ارتباطی و اخلاقی او که شامل شناخت مراجعان، درک طبیعت بشر، شایستگی، نظم و ترتیب، سادگی در برقراری ارتباط و توانایی استدلال ضمن گفتار روشن و واضح، شناخت تنوع، سازماندهی مواد، و دقت نظر تشکیل می‌شود. یک کتابدار با ۵ روش گوش دادن، صحبت کردن، خواندن، نوشتن، و ارتباط غیرکلامی می‌تواند ارتباطات برقرار کند. هر چه فعالیت‌های کتابخانه پیچیده‌تر باشد انتظار از شیوه عملکرد و مهارت کارکنان آن افزایش می‌یابد. این مهارت می‌تواند از موارد ساده‌ای مانند پاسخگویی تلفنی گرفته تا امور دشواری مانند طراحی، برنامه‌ریزی، گزارش‌نویسی و نظایر آن باشد.

به دلیل ورود گروه‌های مختلفی از مراجعان به کتابخانه‌ها و متفاوت بودن درجات تحصیلی، علایق و زمینه‌های فرهنگی آنها و به دلیل تنوع مجموعه کتابخانه‌ها، لازم است برای پاسخگویی مناسب به مراجعان و تقاضاهای گسترده آنان در موضوعات مختلف افراد متخصص و آگاه در حوزه مرتبط به کار گرفته شوند. چراکه درجه صلاحیت یک کتابخانه با درجه صلاحیت و توانایی کارمندان متخصص آن سنجیده می‌شود.

رمز موفقیت کتابداران

به طور کلی رمز موفقیت کتابداران را عوامل زیر تعیین می‌کند:

۱. داشتن تصویری روشن از کتابدار آرمانی؛
۲. شناخت خدمات ضروری برای خواننده؛
۳. معیارهای مناسب سنجش عملکرد؛
۴. اهتمام جدی به حفاظت و سازماندهی کتاب‌ها و منابع دانش و اشاعه آنها؛

۴. عبدالرسول جوکار و افشین حمدی‌پور، «نیاز به تحول در برنامه‌های درسی کارشناسی»، کتابداری و اطلاع‌رسانی، دوره چهارم، ۲ (تابستان ۱۳۸۰): ۹-۲۵.

— فاطمه ذاکری فرد، «نظرسنجی از دانشجویان رشته کتابداری و اطلاع‌رسانی پیرامون جایگاه درس زبان در این رشته»، کتابداری و اطلاع‌رسانی، دوره پنجم، ۴ (زمستان ۱۳۸۱): ۵۶-۶۰.

— محمدحسین دینانی، «نظرها و عملکرد تحصیلی دانشجویان رشته‌های ریاضی، تجربی و انسانی، اجتماعی در دوره کارشناسی کتابداری و اطلاع‌رسانی دانشگاه مشهد»، دوره پنجم، ۳ (پاییز ۱۳۸۱): ۲۱-۴۱.

۵. رعایت بی‌طرفی حرفه‌ای به همهٔ مجموعه؛
۶. حفظ حرمت آزادی‌هایی مانند آزادی اندیشه، گفتار، نشر، واسپاری دانش، آزادی استفاده که بر همهٔ حرفه سایه افکننده است؛
۷. بیان مستدل اعتقادات و ابراز محکم و استوار اندیشه‌های خود؛
۸. فعالیت در تدوین قوانین اجتماعی؛
۹. استقامت در برابر موانع و مشکلات و تلاش برای بهبود گردآوری و تنظیم مواد و ارائهٔ خدمات؛
۱۰. نظم دادن به انبوه اطلاعات آشفته با هدف سودمندی غایی به واسطهٔ دانش کتابداری؛

کامران فانی معتقد است که «کتابدار متخصص و عالم کم‌داریم و گویی نیازی هم‌بدان احساس نمی‌کنیم و یا این نیاز را دست کم می‌گیریم. به هر حال در بهبود این وضع به کندی قدم بر می‌داریم».

دسترسی سریع و آسان به اطلاعات مناسب و مفید است. در این حالت نقش کتابدار از معنای واقعی خود خارج شده و معرّف عملکرد جدیدی است که اطلاع‌رسانی نام دارد. اطلاع‌رسانان، اطلاعات مورد نیاز را به هر شکلی و از هر جایی که وجود داشته باشد، تهیه می‌کنند و به بهترین و سریع‌ترین نحو آن را در اختیار مراجعان قرار می‌دهند، خواه آن اطلاعات به شکل کتاب در کتابخانه و از طریق میز امانت ارائه گردد، و خواه در یک مرکز اطلاعات و از طریق شبکهٔ رایانه‌ای انتقال یابد. به هر حال به گفتهٔ باربارا دنتن^۵ نقش سنتی کتابدار به عنوان "نگهدارندهٔ کتاب" در حال از بین رفتن است و کار کتابخانه همان کاری است که کتابدار امروزی انجام می‌دهد و هر جایی که او کارش را انجام می‌دهد همانجا کتابخانه است. یعنی نباید تصور کرد که چون کتابخانه‌ها نمی‌توانند به شکل سنتی نیازهای اطلاعاتی جامعه برآورند بنابراین باید رشتهٔ علمی جدیدی به نام "اطلاع‌رسانی" با متخصصانی غیر از کتابداران بدان بپردازند. بلکه اطلاع‌رسانی همان کتابداری است که بنا بر ضرورت، نقش جدیدی را بر عهده گرفته و عملکرد خود را به گونه‌ای جدید معرفی می‌کند که متناسب با نیازهای روز جامعه باشد (۱۵: ۴۹).

این رسالت والا در سرزمین ما، ایران، سنتی دیرینه دارد؛ از کتابخانهٔ "کهندژ" یا سارویه جی دوران شاه تهمورث و دانشگاه جندی شاپور انوشیروان در قبل از اسلام تا کتابخانهٔ عضدالدوله در شیراز بعد از اسلام. عزت، شرف و حرمت کتابداران؛ مراجعان به کتابخانه؛ و از همه مهم‌تر مسئولان و کتابداران امروزی را لحظه‌ای بر جای متوقف می‌کند تا دوباره نظری بر خود بیفکنند و اگر خوب بنگرند افرادی چون ابن مسکویه، یحیی بن علی معروف به خطیب تبریزی، خواجه نصیرالدین طوسی، و ابن سینا را در کنار خود خواهند دید. چنین پیشینه‌ای نشان می‌دهد که کتابداری قدر و ارزش بسیار دارد و جز صاحبان فضل و دانش در رأس آن ننشستند (۱۷: ۹۲). کتابداران امروزی با الهام از فرهنگ غنی اسلام معتقدند که حریم کتابخانه، حریمی مقدس است و هرکسی نمی‌تواند به‌سادگی به آن راه پیدا کند. آنانی که بدین حریم راه یافتند بیشتر یا با آن انس گرفته‌اند و بدین مکان مأنوسند، یا قداست و پاکی کتابخانه را کمتر از پاکی و قداست مسجد نمی‌دانند، مصداق گفتارمان این روایت است که «روزی پیامبر

۱۱. ایفای نقش هدایت‌کننده برای خواننده به واسطهٔ هوشمندی، اعتدال و اعتماد به مجموعهٔ منابع اطلاعات موجود در کتابخانه؛
۱۲. کمک به رشد فرهنگ کتاب و کتابخوانی؛
۱۳. احساس مسئولیت و تعهد نسبت به تحصیل‌کردگان و اعتقاد به ارزش بودن افراد اهل مطالعه در روند آیندهٔ جامعه؛
۱۴. خدمت برای تحقق هدف‌های متعالی کتابداری و پرهیز از حرفه‌گرایی غیرمنطقی و توجه به‌اندیشه و خدمت حرفه‌ای؛
۱۵. حفظ هویت فرهنگی، مذهبی، اجتماعی توأم با احترام به فرهنگ بشری؛
۱۶. توانایی و مهارت در به‌کارگیری ابزارهای فناورانه از جمله رایانه و اینترنت و نظایر آنها و استفاده از آنها در خدمات اطلاع‌رسانی؛
۱۷. تسلط بر زبان‌های زندهٔ دنیا به‌ویژه انگلیسی.

چه باید کرد

کتابداران باید بدانند آنچه امروزه یک محقق از یک کتابدار می‌خواهد دیگر کتاب نیست بلکه امکانی برای

اکرم(ص) وارد مسجد شدند و گروهی را در حال درس خواندن و مطالعه و گروهی را در حال عبادت دیدند. ایشان فرمودند: در نزد خداوند تلاش این عده برتر از عبادات آن عده دیگر است. و همنشینی با آنها را انتخاب کردند». پس خوشا به حال کتابداران که در رسالت شغلی خود همنشین کسانی هستند که پیامبر اکرم(ص) همنشینی آنها را انتخاب کرده است و افتخار آنها همنشینی با عالم، دانشمند و اهل مطالعه است(۳: ۱۱۳).

یک بار دیگر این سخن هیلکاراوا^۶ را بر خود متذکر می‌شویم که: «ارائه اطلاعات وظیفه اصلی ماست، مالیات‌دهندگان حق دارند بدانند چه خدماتی با پول آنها ارائه می‌شود از آن به بعد با خود آنهاست که از خدمات استفاده کنند یا نه؟ علاوه بر این افراد خردمند و آگاه زیادی وجود دارد که نیازی به کتابخانه و مطالعه ندارند با وجود این مهم است آنها نیز از خدمات کتابخانه مطلع باشند» (۱: ۷۰). باید توجه داشت که اهمیت و سودمندی کتابخانه‌ها در جامعه اطلاعاتی آینده به تعداد کتاب‌ها، شمار کارکنان و آمار گردش کتاب‌ها نخواهد بود. چنین شاخص‌هایی احتمالاً روز به روز نزول خواهند داشت. چنانچه هم اینک نیز بسیاری از کتابخانه‌ها به‌طور جدی در پی خودکارسازی خدمات و تأمین خدمات اطلاع‌رسانی الکترونیکی هستند. در چنین شرایطی مشاهده می‌شود که افزایش اهمیت و سودمندی کتابخانه‌ها صرف نظر از اندازه آنها بستگی به این دارد که با چه شتابی خود را به‌گروندگان و امانت‌دهندگان اسناد چاپی و غیر چاپی مبدل و مراجعه‌کنندگان را به‌کاوشگرانی تبدیل نمایند که قادر به ارزیابی و تأمین اطلاعات مرتبط از همه رسانه‌ها از جمله رسانه‌های الکترونیکی باشند. به عبارت دیگر اعتبار کتابخانه‌ها در گرو به‌کارگیری هر چه بیشتر فناوری جدید اطلاعات با توجه به امکانات فنی، مالی، و انسانی است و همچنین شریک کردن کاربران در منابع غنی پایگاه‌های اطلاعاتی و اینترنت از طریق ایجاد امکانات هر چه بیشتر برای همکاری‌های بین‌المللی.

پیشنهادها

برای تحقق شرایط بالا لازم است اقدامات زیر سرلوحه برنامه‌ریزان عرصه کتابداری و اطلاع‌رسانی ایران قرار گیرد:

۱. بازنگری کلی در متون و سرفصل‌های درسی و انطباق آنها با نیازهای جامعه اطلاعاتی و عصر فناوری؛

۲. تغییر خط مشی و شیوه‌های تدریس این حرفه با تأکید بر جنبه‌های عملی متون و سرفصل‌های در نظر گرفته شده؛

۳. به‌کارگیری فاکتورهایی چون مصاحبه‌درکنار آزمون علمی برای جذب دانشجویان علاقه‌مند؛

۴. جذب نیروهای متعهد و متخصص برای تدریس و جدی گرفتن آموزش‌های حین خدمت برای آشنایی با فناوری‌های نوین؛

۵. احساس مسئولیت و همکاری با انجمن کتابداری ایران و تلاش برای ایجاد مجامع علمی و صنفی؛

۶. برگزاری همایش‌ها، نشست‌ها و سخنرانی‌های علمی متناسب با نیازهای دانشجویان و متخصصان این رشته؛

۷. ارتباط بیشتر با مجامع بین‌المللی و فراهم ساختن امکانات و ابزارهای لازم برای انتقال فناوری‌های جدید؛

۸. تولید متون علمی مناسب و متناسب با نیازهای فراگیران این رشته در عصر فناوری؛

۹. رعایت و تدوین استانداردهای لازم برای تأسیس رشته در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی؛

۱۰. برقراری رابطه قوی و سازنده میان کتابداران متخصص و غیرمتخصص (حرفه‌ای و غیرحرفه‌ای).

در پایان به تعبیر رها دوست: «اگر عده‌ای از مکتب‌داران هنوز در خود شایستگی خدمت در چنین مکان مقدسی را پیدا نکرده‌ایم بیایم خودمان را باور کرده و در تقویت خویش نهایت تلاش خود را به کار گیریم و فراموش نکنیم که آنچه امروز با صدای بلند در بوق و کرنا می‌زنند که «اطلاعات قدرت است» همان است که فردوسی عزیز هزار سال پیش سرود که «توانا بود هر که دانا بود» بنابراین از ریشه‌یابی آسیب‌ها نهراسیم و با چشم بصیرت و خرد و حساسیت علمی و حرفه‌ای واقعیات را هر چه هست ببینیم و بشناسیم تا بتوانیم راه حل‌های مناسب را یافته و دست به عمل زنیم» (۱۰: ۵). امید است که با تغییر و تحول در رشته و رفتار خود، جامعه را بر پذیرش این اصل مهم متقاعد سازیم که مهندسان و زمین‌شناسان از دل خاک و عمق زمین گوهر استخراج می‌کنند، کتابداران نیز آثار اندیشمندان را چون لؤلؤ درخشان از لابه‌لای کتاب‌ها بیرون آورده و به طالبان علم عرضه می‌کنند.

منابع

- فریده السادات کاظمیان. کتابداری، دفتر هفدهم (۱۳۷۰): ۱-۲۳.
۱۰. رهادوست، فاطمه. «درآمدی بر آسیب‌شناسی کتابداری و اطلاع‌رسانی در ایران». *مجله الکترونیکی کتابدار*، ۲ (۱۳۸۲): ۸-۴. به نقل از: WWW.Ketabdar.org
۱۱. همو. «نقد انجمن علمی کتابداری و اطلاع‌رسانی ایران». *خبرنامه انجمن کتابداری و اطلاع‌رسانی ایران*، دوره دوم، ۳ (خرداد ۱۳۸۲): ۲۱-۲۷.
۱۲. ریاحی‌نیا، نصرت. «رابطه تخصص با مدیریت کتابخانه». کتابداری، دفتر بیست و هشتم و بیست و نهم (۱۳۷۷): ۱۰۷-۱۲۱.
۱۳. همو. «رابطه تخصص با مدیریت کتابخانه». کتابداری، دفتر بیست و هشتم و بیست و نهم (۱۳۷۷): ۱۰۷-۱۲۲.
۱۴. سامانیان، مصیب. «چگونه می‌توان رفتار استفاده‌کننده کتابخانه را ارتقاء بخشید». *فصلنامه کتاب*، دوره یازدهم، ۲ (تابستان ۱۳۷۹): ۱۲۶-۱۳۶.
۱۵. سعادت، علیرضا. «مفهوم و جامعیت عنوان کتابداری برای معرفی حرفه». *پیام کتابخانه*، دوره هشتم، ۴ (۱۳۷۷): ۴۶-۵۰.
۱۶. فانی، کامران. «نقش کتابدار در اجتماع». کتابداری، دفتر نهم (۱۳۶۲): ۱۹۵-۱۹۷.
۱۷. موسوی، نوشین. «سیمای کتابدار». *پیام کتابخانه*، دوره ششم، ۳ و ۴ (پائیز و زمستان ۱۳۷۵): ۹۲-۹۵.
۱۸. مهرداد، جعفر؛ حری، عباس. «طرح توسعه نظام ملی کتابخانه‌های عمومی ایران». تهران: شورای پژوهش‌های علمی کمیسیون اطلاع‌رسانی، ۱۳۸۰. [طرح تحقیقاتی].
۱۹. میرهادی تفرشی، محمدرضا. «بررسی نظرات فارغ‌التحصیلان کارشناسی‌ارشد کتابداری و اطلاع‌رسانی پیرامون برنامه آموزشی این رشته». پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد کتابداری و اطلاع‌رسانی، دانشکده مدیریت و اطلاع‌رسانی پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی ایران، ۱۳۷۶.
۱. ارزا، هیلکا. «بازاریابی نگرش ذهن است». ترجمه ویدا بزرگ‌چمی. *گزیده مقالات ایفلا ۹۷ (کپنهاگ: ۱۹۹۷)*. زیر نظر دکتر عباس حری، به همت و ویراستاری تاج‌الملوک ارجمند. تهران: کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۸.
۲. افشار، ایرج. «موج نو در کتابداری و دریای سنت». *نامه انجمن کتابداران ایران*، دوره هشتم، ۴ (زمستان ۱۳۵۴): ۴۷۶-۴۸۴.
۳. بنی شریفی دهکردی، شهین. «سیمای کتابدار». *پیام کتابخانه*، دوره هشتم، ۱ (۱۳۷۷): ۱۱۳-۱۱۴.
۴. بیلدی، ایولیا. «وضعیت و شخصیت اجتماعی حرفه کتابداری و اطلاع‌رسانی بین‌المللی». ترجمه پرویز بهیار. *فصلنامه کتاب*، دوره پنجم، ۱ و ۲ (بهار و تابستان ۱۳۷۳): ۱۳۵-۱۴۵.
۵. پرینس، هانس؛ دوژیر، ویلکو. «وضعیت، شهرت و موقعیت اجتماعی رشته کتابداری و اطلاع‌رسانی». ترجمه زهرا موسوی‌زاده. *پیام کتابخانه*، دوره چهارم، ۱ و ۲ (بهار و تابستان ۱۳۷۳): ۶-۱۵.
۶. حاجبی، رابعه. «انتخاب رشته تحصیلی از نظر دانشجویان کارشناسی‌ارشد دانشگاه‌های علوم پزشکی ایران، تهران، شهید بهشتی». *مجله الکترونیکی کتابدار*، ۲ (۱۳۸۲): ۱-۳. به نقل از WWW.Ketabdar.org
۷. حری، عباس. «بررسی وضعیت کتابداری و اطلاع‌رسانی در ایران». *کتاب ماه کلیات*، دوره ششم، ۵ (اردیبهشت ۱۳۸۲): ۴-۱۷.
۸. حیاتی، زهیر. «آموزش کتابداری و اطلاع‌رسانی در ایران: گذشته، حال، آینده». *فصلنامه کتاب*، دوره پانزدهم، ۱ (بهار ۱۳۸۳): ۲۵-۴۱.
۹. دراک، میرام. «سازماندهی و تنظیم اطلاعات». ترجمه

تاریخ دریافت: ۱۳۸۲/۷/۶